

کاوشی در دعای ام داوود

* سید علی اکبر ریبع نتاج*

** زهرا اکبری

چکیده: ادعیه مؤثر از گنجینه‌های معنوی و میراث فرهنگی شیعه است که در بنیانهای اعتقادی و زیرساختهای فرهنگی اندیشهٔ شیعی و در تقویت ارکان ایمانی و تحکیم پایه‌های معرفتی انسان نقش شایسته و مؤثر دارد. یکی از این دعاها، دعای استفتاح معروف به ام داوود است که به خواندن این دعا، به همراه اعمال ویژه آن در نیمهٔ ماه رجب توصیه شده است. این دعا را بزرگانی چون شیخ طوسی، ابن طاووس و علامه مجلسی از نظر تأثیر برای رسیدن به حاجت و رفع گرفتاری و برطرف شدن ظلم و ستم، معتبر دانسته‌اند.

در این نوشتار که تحقیقی پیرامون دعای شریفه است، تلاش بر این بوده که پس از آشنایی اجمالی با دعای ام داوود، صحت صدور آن از معصوم به یکی از سه شیوهٔ ارزش منابع و صحت سند و قابلیت انطباق بر قرآن و سنت و عقل سنجیده شود.

*. دانشیار دانشگاه مازندران.

**. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.

مقدمه

کلید واژه‌ها: دعا / امداد / منابع دعا / اسناد / صحت متن.



در میان فرقه‌های اقالیم قبله، مذهب تشیع به چند دلیل برای دعا جایگاه و مکانت والاتری در نظر گرفته است. یکی از اختصاصات شیعه پذیرش مسئله امر بین امرین در مبحث جبر و اختیار است، که براساس آن هیچ نیرویی در فعل خود استقلال ندارد و بی اذن او هیچ عامل مؤثری اثرگذار نیست و اراده خدا در همه افعال جاری است. روشن است که اگر قدرت الهی در همه افعال و حرکات عالمیان مؤثر باشد، طلب از اونیز در تمامی اعمال خرد و کلان انسان محل ظهور می‌یابد. در روایتی از حضرت رسول ﷺ می‌خوانیم: «سَلُو اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَا بَدَأَ لَكُمْ مِنْ حَوَاجِجُكُمْ حَتَّىٰ شِسْعَ النَّعْلِ؛ فَإِنَّهُ أَنَّ لَمْ يُسِرِّهِ لَمْ يَتَيَّسِّرُ»، یعنی برای هر نیازی که دارید حتی اگر بند کفش باشد، دست خواهش به سوی او دراز کنید؛ زیرا که تا او آسان نگرداند آسان برآورده نشود. (محمدی ری شهری، ج ۴، ص ۱۶۵۳)

کاوشی در دعا امداد

ویژگی دیگر مذهب تشیع، اعتقاد به امامانی است که مظہر همه اسمای خداوند و مخزن و منبع معارف حقه الهی اند. روشن است که هر چه انسان در توحید به مراتب بالایی برسد، دعای اونیز بهتر و خالص‌تر می‌شود. (نک: ری شهری، مسیزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۶۴۷) با این توضیح، بهترین دعا همان دعایی است که از سر معرفتی دقیق و بی خطاب به خدا و بصیرتی عارفانه به نیازهای انسان انشا شده باشد؛ چنین دعایی را تنها در مکتب اهل بیت ﷺ که وارثان حکمت و معرفت پیامبرند، می‌توان یافت. دعا در مکتب ایشان نه فقط عرض نیاز به درگاه محبوب، بلکه سیر روح به دیار ملکوت و ارتباط مجد و بانه و عاشقانه با خداست که در قالب الفاظ فصیح و بلیغ و واژه‌هایی حساس و هیجان‌بار و ترکیب‌هایی ژرف و بیانی تکان‌دهنده روح و بخشندۀ حیات به دل، اداگشته اند.

ادعیه ماثور، محتوا و مضامین عالی دارند که در عالی‌ترین درجه حکمت و

عرفان اسلامی بیان شده است. لذا بسیاری از محدثان در پذیرش دعا، صرف نظر از بررسی سند طبق اصل "دلالتہ تغفی عن السنن"، مضمون و محتوا را مورد وثوق قرار می‌دهند. بدین معنا که گاهی مفهوم و دلالت محتوای حدیث و دعا به قدری با عظمت و مطابق اصول است که از ارائه هرگونه سند بی نیاز است و احتیاجی به آن ندارد. بسیاری از احادیث شریف نبوی و معصومین ﷺ و گروه کثیری از دعاها چنین سرنوشتی دارند و طبق این اصل مورد پذیرش قرار می‌گیرند. (جعفری، ص ۲۹) اما گاهی شنیده می‌شود که عده‌ای افراد برخی از ادعیه مؤثر و قطعی الصدور را مورد نقد قرار داده‌اند، زمانی به سند آن خدشه وارد کرده و زمانی دلالت متن را نارسا قلمداد نموده‌اند. این به دلیل عدم درک و آشنایی صحیح با جایگاه و فضیلت ویژه دعا در اسلام است که مهجور ماندن شمار فراوانی از ادعیه مؤثر می‌تواند از دلایل اصلی این تشکیکات و نیز نتیجه آن باشد.

از سوی دیگر، عنایت عالمان و دانشوران شیعه، بیشتر ناظر به شرح و تبیین معدودی از ادعیه مؤثر است که در این میان می‌توان، برای برخی تا ده‌ها شرح و ترجمه به عربی و فارسی برشمرد. اما شمار زیادی از دعاها مورد شرح و معرفی و پژوهش جدی قرار نگرفته‌اند. از این‌رو در راستای ترویج دعا و فرهنگ دعایی اهل بیت ﷺ و رفع غبار و شبهه از چهره دعا باید گامهای مهمی برداشته شود. با توجه به این ضرورتها، مقاله حاضر گامی هر چند کوتاه در این راستاست. تلاش نویسنده بر آن بوده است که دعای ام داود تا حد امکان مورد معرفی قرار گیرد و صحت صدور آن از حیث سند و محتوا سنجیده شود.

در این مقاله می‌کوشیم به این سوالات پاسخ گوییم:

۱. وجه نامگذاری دعا به ام داود چیست؟

۲. آیا این دعا، از نظر سند صحیح است؟

۳. آیا مضمون و محتوای آن بر قرآن و سنت و عقل، قابل انطباق است؟

روش بحث

آنچه در این مقاله بحث می‌شود، پژوهش در صحّت صدور دعاست. به همین منظور مسأله را از چند دیدگاه مورد بحث قرار می‌دهیم. به عبارتی دیگر قصد داریم در گام اول به بیان منابع و مصادر آن از گذشته تا حال بپردازیم؛ زیرا در مباحث روایی نقل در کتب معتبر و کثرت نقل نشانه توجه به روایات است.

در گام دوم از دریچه علم رجال سمعی شده، رجال مذکور در سند را با استفاده از آرای موجود در کتب رجال بررسی نماییم. در این قسمت دو کار مهم صورت گرفته است: اول تبع و جستجو برای یافتن عناوین تک تک رجال. دوم اینکه به ذکر توثیق خاص اکتفا شده است و کمتر از توثیقات عام استفاده کرده‌ایم، به این معناکه تا حد امکان بر اساس توثیق خاص حکم به وثاقت و یا عدم وثاقت راوی داده‌ایم.^۱

در گام سوم برآئیم میزان اعتبار دعا را بر حسب انطباق بر کتاب و سنت و عقل - که مهمترین ملاک صحّت روایات است - تأیید کنیم و سپس به جمع‌بندی بپردازیم.

آشنایی با ام داود

عنایت معصومین^{علیهم السلام} به علم آموزی زنان بسیار بوده است و از این محفل، هر که مشتاق‌تر بوده، بهره بیشتری برده است. از همسران و دختران ائمه^{علیهم السلام} که بگذریم، نام تعدادی از زنان در زمرة دانش آموختگان معصومین^{علیهم السلام} در کتابهای سیره ثبت شده است. به دلیل تلاش و تعالیم معصومین^{علیهم السلام} جهت ارتقای علمی بانوان و کوشش زنان برای فراگیری و رشد دانش خود، برخی از زنان به درجه بلندی رسیده و از مردان جا هل عصر خود پیشی گرفتند. ام داود نیز از جمله زنان راوی حدیث و دانشمند است که به شرف یادگیری دعای استفتح از جانب امام صادق^{علیه السلام} نائل آمد. تمام کسانی که درباره وی سخن گفته‌اند، شرح حال وی را همراه با نقل داستان

۱. به این دلیل که در توثیقات عام اختلافات زیادی وجود دارد.

نیمه رجب بیان کرده‌اند.

ایشان همسر حسن مثنی از فرزندان بزرگوار امام حسن مجتبی علیه السلام است. (قمی، ص ۲۵۰) در شرح حال وی آمده است: "ام داوود، فاطمه دختر عبدالله بن ابراهیم است که کنیه وی به خاطر فرزندش داوود بن حسن بن علی بن ابیطالب، ام داوود معروفی شده است. ایشان مادر رضاعی امام صادق علیه السلام است. محدث بزرگوار سید ابن طاووس (م ۶۶۴ق) از وی با کنیه ام خالد یاد کرده و او را از جده‌های صالح و مؤمن خود دانسته است. (صادقی اردستانی، ص ۳۳۰)

در نام او اختلاف است. بعضی حبیبه و بعضی هم فاطمه گفته‌اند. ولی از عبارت ابن طاووس که درباره او می‌گوید: «هي جدتنا الصالحة، المعروفة بام خالد البربرية، ام جدتنا داوود بن حسن بن علی بن ابیطالب»، معلوم می‌شود که او مکنی به ام خالد و از نژاد برابر بوده است. (محلاحتی، ص ۳۹۰، با اندکی تلخیص)

داوود فرزند ایشان، مکنی به ابو سلیمان با ام کلثوم دختر امام سجاد علیه السلام ازدواج کرد. (قمی، ص ۲۰۸) وی را از اصحاب صادقین علیهم السلام دانسته‌اند. (تستری، ج ۴، ص ۲۳۶) او از جانب برادرش عبدالله محض تولیت صدقات امیر المؤمنین علیه السلام را بر عهده داشت. (قمی، ص ۲۵۰). داوود، همراه سادات حسنه در مخالفت با دستگاه استبدادی منصور خلیفه عباسی به زندان افتاد و مدت‌ها از وی خبری نشد. ام داوود نزد حضرت امام صادق علیه السلام مشرف شد و از فراق فرزندش نالیلد. امام علیه السلام با مشاهده وضع نگران‌کننده او فرمود: «چرا از دعای استفتح غفلت کرده‌ای؟ مگر نمی‌دانی که به وسیله این دعا درهای آسمان گشوده می‌شود و فرشتگان الهی دعا کننده را مژده اجابت می‌دهند و هیچ حاجتمند و دعاکننده‌ای مأیوس نمی‌شود و خداوند پاداش خواننده آن را بهشت قرارداده است». (صدقی، ص ۳۴)

امام علیه السلام در پاسخ ام داوود - که از کیفیت این دعا پرسید - دستور کامل اعمال و آداب دعا را به او تعلیم داد.



امام در ادامه فرمود: «آنچه را به تو یاد دادم حفظ کن، مراقب باش که از دستت خارج نشود و به دست دیگری نرسد، چون این دعا بی شریف است و در آن اسم اعظم خداست، اسمی که اگر به آن خوانده شود مستجاب شود اگر چه آسمانها و زمین چسبیده باشند.....برای هر کس که این دعا را بخواند استجابت است مرد باشد یا زن، اگر جن و انس دشمن فرزند تو باشد تو را کفایت می کند و زیانشان را نسبت به تو لال می کند». (همان، ص ۳۶)

ام داود گوید: "امام این دعا را برایم نوشت و به خانه برگشتم تا این که ماه رجب رسید و دستورهای امام را طبق آنچه گفته بود انجام دادم. شب خسته شدم و در خواب دیدم که جمعی از فرشتگان و صابران و شهداء و عباد را که بر آنها درود فرستاده بودم و نیز پیامبر ﷺ را دیدم. به من فرمودند: ای ام داود این جماعتی را که مشاهده می کنی شفیعان تو هستند که برای تو دعا کرده‌اند و مژده می دهند که حاجت تو برآورده شده است. ام داود گوید: از خواب برخاستم به اندازه‌ای که یک سوار تیزرواز عراق به مدینه بباید، گذشته بود که ناگاه در باز شد و فرزندم بر من وارد گردید." (همان)

این بود سرگذشت این بانو، و دعا بی که از امام صادق علیه السلام روایت کرده و نتیجه‌ای که از دعا و آموزش حضرت به دست آورده است.

دونکته قابل تأمل در ماجراهای نیمه رجب به چشم می خورد:

اول، مطالبی که در فضیلت و عظمت این دعا از لسان امام علیه السلام نقل گردیده است و دیگر، تقه و مورد اعتماد بودن ام داود نزد امام علیه السلام. زیرا خود امام تصريح می کند که این دعا بی شریف را به کسی نیاموزد، بدین معنا که این دعا باید به دست نااهلان بیافتد، که نشان می دهد ام داود فردی قابل اعتماد نزد ایشان بوده است.

منابع دعای استفتاح

دعای ام داود از جمله دعاهایی است که در منابع روایی اولیه و اصلی فریقین



ثبت شده است. این دعا در هفت جامع روایی نقل شده است. البته نقل برخی از آنها مستند به برخی دیگر می‌باشد که به ترتیب تاریخی از این قرار است:

۱- قدیمی ترین منبعی که به دعا اشاره دارد، کتاب **فضائل الاشهر الثلاثة** شیخ صدوق است.

وی در باب "حدیث ام داود و عملها" پس از ذکر شش طریق و نقل داستان نیمة رجب و اعمال دعا، متن دعا را ذکر نکرده و در همان بخش به کتاب عمل السنہ خود ارجاع داده است.^۱ با بررسی فهارس و جوامع روایی، این کتاب را نیافریم، احتمال می‌دهیم این کتاب نیز از جمله آثار مفقوده صدوق باشد که به دست ما نرسیده است.

در بررسی طرق روایات، استاد وی را با وجود عدم ذکر متن دعا، مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم به سه دلیل: اول اینکه به گفته صدوق اعتماد می‌کنیم که متن را در کتاب دیگری ذکر کرده است، زیرا وی از بزرگترین شخصیت‌های جهان اسلام و از برجسته‌ترین چهره‌های درخشان علم و فضیلت است و تألیفات فراوان وی در علوم و فنون مختلف همواره مورد توجه فقهاء و علمای شیعه بوده است.^۲ وی کسی است که به دعای امام زمان (عج) متولد شده است. خود ایشان در این باره می‌گوید: "هرگاه ابو جعفر محمد بن علی الاسود مرا می‌دید که برای گرفتن علم و دانش به محضر استاد می‌روم به من فرمود: این میل و اشتیاق به علم و دانش که در تو وجود دارد، مایه شگفتی نیست؛ زیرا تو، به دعای امام زمان علیه السلام متولد شده‌ای". (صدقه، ج ۲، ص ۵۰۲)

دوم اینکه کتاب **فضائل الاشهر الثلاثة** وی همواره مورد توجه علمای شیعه قرار

۱. کتاب **فضائل الاشهر الثلاثة** صدوق یک کتاب با محوریت دعا نیست، بلکه عمدۀ بحث آن در شناخت احادیث و نمازها و فضایل سه ماه رجب، شعبان و رمضان است. از این روی صدوق از ذکر متن دعا که نسبتاً طولانی هم بوده خودداری کرده و آن را به کتاب دیگر خود عمل السنہ ارجاع داده است.

۲. برای توضیحات بیشتر (نک: طوسی، الفهرست، ص ۴۴۲).

مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب فواید الرضویه خویش که اختصاص به معرفی و زندگانی علمای شیعه دارد، از وی نیز نام می‌برد و می‌گوید: "شیخ ابو القاسم صاحب شواهد التنزیل لقواعد التفصیل و خصایص علی بن ابیطالب فی القرآن و

گرفته و از معتبرترین اصول روایی شیعه به شمار می‌آید. روایات آن در بسیاری از مجموعه‌های روایی بزرگ شیعه نقل شده است.

سوم اینکه سندی که صدق در این کتاب آورده، همان سند متن دعا است.

۲- منبع مهم و ارزشمند دیگر کتاب مصباح المتهجد شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) است که دعا را در باب "یوم النصف من الرجب" با حذف سند نقل می‌کند. (طوسی، ص ۸۰۷) این کتاب نیز - که از زمان نگارش پیوسته مورد توجه علماء بوده است - مشتمل بر عبادات و دعاهایی است که از ائمه طاهرین علیهم السلام در ساعات و روزها و هفته‌ها و ماهها رسیده است و یکی از پر ارزش‌ترین کتب ادعیه است که از حیث اعتبار و قدمت در میان کتب مشابه خود امتیاز خاصی دارد. (دونی، ج ۲، ص ۳۸۱)

۳- تنها منبع غیر شیعی دعای ام داود، جامع روایی و دعایی "فضائل شهر رجب" از عالم اهل تسنن، حاکم حسکانی (م ۴۹۰ ق) است. وی دعای ام داود را با ذکر یک سند در باب "باب الصلاه و الدعاء فی المتتصف رجب و هوالمعروف بدعاء الاستفتح" پس از نقل داستان نیمه رجب آورده است. (حسکانی، ص ۵۰۴) جامع روایی او شامل روایاتی درباره نمازها و دعاهای و اعمال مستحبی ماه رجب است. اسناد این کتاب بیشتر از اهل تسنن است، ولی گاهی به روایات شیعه استناد می‌کند؛ همانند این دعای شریف.

این کتاب از ارزش والایی در میان علمای شیعه و سنتی برخوردار است؛ چراکه مؤلف آن از علماء و فضلاه علم حدیث و رجال در قرن پنجم هجری قمری به شمار می‌آید. علاوه‌بر آن در میان علمای شیعه نیز از احترام خاصی برخوردار است.
(نرم افزار جامع احادیث نور)



مسئله در تصحیح رد شمس و ترغیم نواحی الشمس". (قمی، ج ۱، ص ۲۶۱) با عنایت به این موارد و مطالب مشابه به آن می‌توان وی را از آن دسته از علمای اهل تسنن دانست که ارادت خاصی به اهل بیت علیهم السلام داشته است.

۴- از منابع مهم دیگر دعای شریف، اقبال الاعمال سید بن طاووس (م ۶۶۴ق) از علمای قرن شش و هفت هجری است که دعا را بدون ذکر سند نقل می‌کند. (بن طاووس، ص ۶۵۸) نام کامل کتاب الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مره في السنة است. این کتاب مانند دیگر تألیفات وی از اعتبار و ارزش ویژه‌ای میان علمای شیعه برخوردار است و علمای پس از وی در موضوع ادعیه و زیارات خوش‌چین خرمن او بوده‌اند.

۵- دو کتاب بلدالامین و مصباح علامه کفععی (م ۹۰۵ق) متضمن دعای مذکور است که از نسخه مصباح المتهجد شیخ طوسی نقل شده است. (کفععی، ص ۱۸۰؛ مصباح، ص ۵۳۰) موضوع این دو کتاب، ادعیه و زیارات است. وی ابتدا بلدالامین و سپس مختصر آن را به نام المصباح نوشته است. در اهمیت آن کتاب گفته شده با آنکه مصباح کبیر^۱ شیخ طوسی از مقبولیت بالایی برخوردار بود و در اکثر خانه‌ها نسخه‌هایی از آن یافت می‌شد، با آمدن مصباح کفععی کتاب شیخ طوسی جای خود را به مصباح کفععی داد. (امین، ج ۲، ص ۱۸۴)

۶- علامه مجلسی (م ۱۱۰۱ق) در کتاب عظیم بحار الانوار در دو جا دعای ام داود را می‌آورد: یکی در جلد ۹۴ مطابق نقل صدوق در فضائل الاشهر الثلاثة (مجلسی، ج ۹۴، ص ۴۲)، دیگری جلد ۹۵ مطابق نسخه اقبال الاعمال (همان، ج ۹۵، ص ۳۹۷)

۷- آخرین مأخذ دعای شریف، کتاب مقایی الجنان اثر مشهور شیخ عباس قمی

۱. با توجه به استقبال فراوانی که از کتاب "مصباح المتهجد" شد، شیخ خود تصمیم به تلخیص این کتاب گرفت و نام آن را "مصباح المتهجد صغیر" نهاد. از این رو کتاب اول با عنوان "مصباح کبیر" شهرت یافت.



است. (قمی، ص ۲۶۳) درباره ایشان نقل شده است که اگر کوچکترین تردیدی درباره صحت سند یک دعا یا زیارت داشت آن را در کتاب وارد نمی‌کرد. این دقت و ظرفات مثال زدنی ایشان، ناشی از تقدیر و طهارت نفس و هم به جهت سلط و احاطه علمی اش بر حدیث و روایت است. (دواوی، ج ۳، ص ۲۵۷) به گفته محدث قمی این متن از نسخه مصباح علامه کفععی نقل شده است و از آنجاکه نسخه مصباح مطابق روایت شیخ طوسی در مصباح المتهجد است، با بهره‌مندی از کلام شیخ استفاده می‌شود که نقل مشهور موافق همان روایتی است که در مصباح المتهجد ذکر شده است.

نتیجه‌ای که ابتداءً در برخورد با منابع به دست می‌آید، یکی اعتبار و ارزش این منابع و دیگر جایگاه والای این دعا در منابع روایی است. به بیان دیگر، کثرت منابع و اهتمام علماء بر ثبت دعای شریف، مبنای ما در بررسی دعا طبق شیوه اول است یعنی احراز اصالت دعا از طریق کثرت نقل و نقل در کتب معتبره. در نتیجه اصالت دعا و صحت صدور آن از معصوم علیه السلام قطعی است.

بیان طرق دعا

طرق دعای ام داود، هفت طریق است که شش سند آن در فضایل الاشهر ثلاثة شیخ صدوق و یک سند در فضایل شهر رجب حاکم حسکانی پیش روی ماست.

الف) استناد دعا نزد شیخ صدوق

طریقه اول

«حدثنا جماعة من أصحابنا عن عبيدة الله بن محمد بن جعفر القصباني
البغدادي عن أبي عيسى عبيدة الله بن الفضل بن هلال عن عبدالله بن محمد
البلوي عن ابراهيم بن عبيدة الله بن الفضل بن العلاء المدنى عن فاطمه بنت
عبد الله بن ابراهيم بن الحسين»



در ارزیابی رجال سند آمده است:

۱- جماعه من اصحابنا: صدوق در بیشتر موارد - چه در مشیخه^۱ و چه در کتبی که سند را کامل ذکر می‌کند - روایت را از یک شخص نقل می‌کند، مثلاً از پدر یا دیگر مشایخش. به ندرت نیز از افراد زیادی روایت می‌کند که در این صورت آن را با تعبیر "جماعه من اصحابنا" بیان می‌کند. محدثان، از این عبارات گروهی از اصحاب و مشایخ حدیث را اراده می‌کنند که توسط آنها حدیث نقل شده باشد که البته این واژه نه مفید مدح است و نه ذم. (قاسم پورو دیگران، ص ۱۴۴)

۲- عبیدالله بن محمد بن جعفر بن القصباوی البغدادی: نام وی در کتب رجال درج نشده است. اما شیخ طوسی در رجالش از شخصی به نام عبیدالله بن محمد بن عائذ بغدادی نام می‌برد و می‌گوید: "یکنی ابا محمد، سمع منه التلعکبری سنه سنتین و ثلثاه و له منه اجازه و کان ينزل بباب الطاف" (طوسی، ص ۴۳۲)

۳- ابی عیسی عبیدالله بن فضل بن هلال: نجاشی درباره وی می‌گوید: اصله کوفه، انتقل الى مصر و سکنها، له کتب منها: زهرالریاض کتاب حسن کثیرالفواید. (نجاشی، ص ۲۳۲)

وی از مشایخ جعفرین محمد بن قولویه است، به این دلیل که در اسناد "کامل الزيارات" قرار دارد. (ابن قولویه، ص ۲۲۷) از نکات مهمی که درباره مشایخ جعفرین محمد بن قولویه باید بدان توجه کرد، وثاقت مشایخ اوست؛ زیرا خود در ابتدای کتاب گفته است:

«وقد علمنا بانا لا نحيط بجميع ما روی عنهم في هذا المعنى ولا غيره، لكن
وقع لنا من جهة الثقات من اصحابنا رحمة الله برجمه ولا اخرجت فيه
حديثا روی عن الشذاذ من الرجال يوثر ذلك عنهم عن المذكورين غير
المعروفين بالروايه المشهورين بالحديث و العلم»

۱. کتابی است که محدثان، شیوخ و سلسه اسناد روایات خود را در آن ذکر کرده‌اند.



یعنی ما دانستیم که نمی‌توانیم به تمام آنچه از ائمه روایت شده احاطه پیدا کنیم. لذا به آنچه که ثقایت روایت کرده‌اند اهمیت دادیم. (ابن قولویه، ص ۱۵)

به همین علت آیت الله خویی معتقد است که اگر راوی در سلسله اسناد کتاب كامل الزيارات واقع شده باشد دلیل بر وثاقت اوست.^۱ (خویی، ج ۱، ص ۴۹)

این مطلب کمک بزرگی است برای توثیق بسیاری از روات شیعه، که نامی از آنها در کتب رجالی نیامده و یا وثاقتشان ثابت نشده است.

۴- عبد الله بن محمد البلوی: شیخ طوسی در مورد او آورده است: «كان واعظاً، فقيها، له كتب منها: كتاب الأبواب و كتاب المعرفة و كتاب الدين و فرائضه». (طوسی، الفهرست، ص ۸۰) اما نجاشی وی را ضعیف دانسته است. (النجاشی، ص ۳۲۴)

ابن الغضاییری درباره او گفته است: «كذاب، وضع للحادیث، لا يلتفت الى حدیثه ولا يعبأ به». (ابن غضاییری، ص ۸۰) فقیهان هنگام تعارض بین قول نجاشی و سایر علمای رجال، سخن نجاشی را ملاک و میزان دانسته‌اند و آن را بر قول دیگران مقدم می‌دارند. (ربانی، ص ۵۶)

۵- ابراهیم بن عبید الله الفضل بن العلاء مدنی: وی کسی است که در تمامی طرق، دعا را از ام داود نقل می‌کند. بررسی شخصیت او گامی مهم در احراز صحت سند دعا است.

درباره او گفته شده است: «الذى لا يعرف الا بما ينسب اليه، عبد الله بن محمد البلوی و ينسب الى ابيه عبید الله العلاء، عمارة بن زيد و ما يسند اليه الا الفاسد، المتهافت» (ابن الغضاییری، ص ۷؛ ابن داود، ص ۴۱۶؛ علامه حلی، ص ۹۸) آرای علامه و ابن داود به تعبیر خودشان مستند به قول ابن الغضاییری است، لذا می‌توان منشاء تضعیف را ابن الغضاییری دانست. البته خود ابن الغضاییری در نظر برخی از بزرگان متأخر توثیق نشده است. (رحمان ستایش، ص ۳۸ - ۳۹)

۱. برای مطالعه در این زمینه (نک: ربانی، دانش رجال الحدیث، ص ۲۷۸ - ۲۷۶).

به علاوه موضع علمای رجال در انتساب کتاب *الرجال* یا همان *الضعفا غضایری* چندین گونه است. عده‌ای مانند آیت الله خوبی معتقدند که این کتاب از تأییفات ابن غضایری نیست، بلکه عده‌ای از دشمنان شیعه آن را ساخته و بر علیه شیعه تأییف کرده‌اند. مهمترین دلیل این قول آن است که شخصیتهای برجسته و راستگو به وسیله او تضعیف گردیده‌اند و این دلیل آن است که نسبت دادن این کتاب به ابن غضایری دروغ است. (خوبی، ج ۱، ص ۱۰۲) شیخ آقابزرگ تهرانی نیز در کتاب *الذریعه ساحت ابن غضایری* را از انتساب به این کتاب مباید داند و معتقد است با فرض صحت انتساب این کتاب به ابن‌غضایری کمتر کسی است که از طعن او جان سالم به در برده باشد. (تهرانی، ج ۴، ص ۲۸۸)

آیت الله سبحانی احتمال می‌دهد کتاب *الضعفا* متعلق به ابن‌غضایری است. وی در تبیین نظر خود می‌گوید:

"احتمال دارد که ابن‌غضایری همان‌طور که کتاب *الضعفا* داشته، در مقابل کتاب ممدوحین نیز داشته است؛ زیرا همان‌طور که شیخ تصریح کرده، او دو کتاب درباره مصنفات و راویان نگاشته است و شاید یکی از این دو کتاب درباره ممدوحین بوده است و چه بسا که تعداد ممدوحین بیشتر از مذمومین و ضعفا بوده، ولی کتاب ممدوحین به دست ما نرسیده است.^۱" (سبحانی، ص ۸۸)

نکته اصلی در بی‌اعتباری سخنان ابن‌غضایری آن است که تضعیفات او بر اساس امور حسیه نیست، بلکه بر اساس اجتهادات و حدسیات خویش راویان را جرح و تعديل نموده است. (ربانی، ص ۶۸) از بررسی عبارتهای غضایری روشن می‌شود که اوروایاتی را که ناقل معجزات و کرامات بوده، غلو دانسته و اگر فردی را می‌دید که با عقاید وی موافق نبود، تردیدی به خود راه نمی‌داد که محتواهی روایت غلو و راوی آن دروغگو افتراپرداز است و بی‌درنگ حکم به ضعف و دروغگویی

۱. برای توضیحات بیشتر (نک: سبحانی، کلیات فی علم فی رجال، ص ۷۹ - ۱۰۲).

وی می کرد. (رحمان ستایش، ص ۳۸)

حاصل سخن اینکه ابراهیم بن عبیدالله بن الفضل با کنارگذاشتن رأی ابن خضایری باز هم مجھول است، زیرا در دیگر کتب رجال نامی از وی نیامده و وصفی از وی مذکور نیست. نهایت چیزی که می توان گفت این است که درباره وی توقف کنیم.

طريقه دوم

حدثنا جماعة من اصحابنا عن ابی الحسن عبیدالله بن محمد بن جعفر القصباي عن ابی محمد الحسین بن سیف العدل عن علی بن یعقوب عن عبدالله بن محمد المبارک الانصاری البلوی عن ابراهیم بن عبیدالله بن العلاء عن فاطمه بنت عبدالله بن ابراهیم بن الحسین
تعدادی از راویان این سند و اسناد بعدی در قسمت قبل ذکر شدند، بنابراین ترجمۀ رجال باقی مانده را بیان می کنیم:

۱- ابی محمد الحسین بن سیف العدل: روش نیست وی کدام شخصیت روایی است. اگر مقصود "الحسین بن سیف الکندي" باشد، شیخ طوسی تنها به ذکر نام وی اکتفا کرده است (طوسی، الرجال، ص ۱۸۲) و اگر مقصود "الحسین سیف" باشد وصفی از وی در کتب رجال نیست و فقط شیخ طوسی به ذکر راوی و مروی عنه او می پردازد. (طوسی، الفهرست، ص ۱۴۱)

۲- علی بن یعقوب: وی از راویان مشترک است. در معجم رجال الحديث آمده است: «وَقَعَ بِهَذَا الْعَنْوَانِ، فِي اسْنَادِ جُمْلَهُ مِنْ رِوَايَاتِ تَبْلُغُ تِسْعَةِ عَشَرَ مُورَداً». (خوبی، ج ۱۳، ص ۲۲۳)

۳- عبدالله بن محمد بن محفوظ بن المبارک الانصاری البلوی: وی مجھول است. نام وی در کتب رجال ذکر نشده است، تنها شیخ علی نمازی در ذیل نام او آورده: «لم یذکروه، وقع فی طریق صدوق عن علی بن یعقوب عنه عن ابراهیم بن عبیدالله بن العلاء



حدیث عمل الاستفتح المشهور بعمل ام داود و فی رجب» (نمایی شاهروdi، ج ۵، ص ۱۰۲)

طريقه سوم

حدثنا ابی محمد الحسن بن حمزه العلوی عن ابی غانم اسماعیل بن عبدالرحمن
الحارثی عن ابی محمد عبدالله بن محمد العلوی عن ابراهیم بن عبید الله بن
العلاء عن فاطمه بنت عبدالله بن ابراهیم بن الحسین

در بحث رجالی ایشان آمده است:

۱- ابی محمد الحسن بن حمزه العلوی: او همان "الحسن بن حمزه بن علی بن عبدالله
بن محمد بن الحسن بن الحسین بن علی بن ابی طالب" است که علمای رجال درباره
وی گویند: او مکنی به ابو محمد طبری مرعشی و از بزرگان و فقهاء و ادبائی این طائفه
است و کتابهای بسی شماری را به وی نسبت داده‌اند. (طوسی، الفهرست، ص ۱۳۵؛
النجاشی، ص ۶۴؛ حلی، ص ۹) گرچه توثیق خاص درباره وی نیست؛ اما ذکر علمای
رجال در توصیف وی را می‌توان توثیق عام دانست. از طرفی دیگر به نظر عده‌ای از
رجالیون اگر نجاشی نام شخصی را در کتابش ذکر کرده باشد - جز کسانی را که
خودش آنها را تضعیف کرده است - حتی اگر مدحی هم نکرده باشد او امامی و ثقہ
است. (رضابی، ص ۱۷۰)

۲- ابی غانم اسماعیل بن عبدالله بن عبدالرحمن الحارثی: وصفی از وی در کتب رجال
نیست و شیخ طوسی در ذیل نام او به "کوفی" اکتفا کرده است. (طوسی، الفهرست،
ص ۱۶۰)

طريقه چهارم

حدثنا حمزه بن محمد بن احمد بن جعفر عن زید بن علی بن الحسین بن علی بن
ابی طالب عن ابی الحسین محمد بن الحسن الدینوری عن یعقوب بن نعیم بن
عمرو بن قرقاره عن جعفر بن احمد البینعی عن ابیه عن ابراهیم بن عبید الله
بن العلاء عن فاطمه بنت عبدالله بن ابراهیم



در مبحث رجالی می خوانیم:

۱- حمزه بن محمد بن احمد: وی همان حمزه بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهم السلام است. آیت الله خویی او را از مشایخ صدوق می داند که از علی بن ابراهیم قمی روایت کرده است. (خویی، ج ۶، ص ۲۸۲) در توضیح باید گفت، بسیاری از علماء معتقدند که تمام محدثان و مشایخ صدوق، که شیخ از آنها روایت کرده است موثق می باشند. نقل شیخ از آنها دلیل بر توثیق آن خواهد بود؛ زیرا شیخ صدوق تصریح کرده که از غیر ثقه نقل نمی کند (ربانی، ص ۳۱۸)، علامه مجلسی نیز بر این نظر است. به عقیده او، تمام راویانی که در سلسله مشیخه صدوق واقع شده اند موثق اند، و وقوع راوی در سلسله مشیخه دلیل بر توثیق اوست. (خویی، ج ۱، ص ۸۰) البته به گفته آیت الله خویی به جز برخی از مشایخ صدوق که بر اساس منابع دیگر می توان آنها را ناصبی دانست. (همان، ج ۱، ص ۸۰)

۲- ابو الحسین محمد بن الحسین الدینوری: نام او در کتب رجالی پیشین ذکر نشده است، اما آیت الله خویی از کتاب "کمال الدین و تمام النعمه" از صدوق نقل می کند که وی از کسانی است که موفق به دیدار امام زمان علیهم السلام شده است. (همان، ج ۲۱، ص ۱۲۷)

یکی از راههای توثیق، جمع آوری قرائن است، بدین معنا که گاهی علمای رجال به وثاقت راوی تصریح ندارند، ولی پاره‌ای قرائن وثاقت راوی را ثابت می کند. (ربانی، ص ۱۶۲) در اینجا با بهره مندی از توصیف صدوق درباره ابوالحسین الدینوری، می توان آن را قرینه بر وثاقت او دانست.

۳- یعقوب بن نعیم بن عمرو بن قرقاره: او مورد تأیید و توثیق رجالیون است و توثیق خاص برای او وجود دارد. نجاشی در رجالش درباره او گفته: «کان جلیلاً فی اصحابنا، ثقہ فی الحدیث، روی عن الرضا علیهم السلام و صنف کتاباً فی الامامه» (نجاشی، ص ۴۴۹)



۴- جعفر بن احمد عبدالنبار الینبی: نام وی در کتب رجال ثبت نشده است؛ اما در مستدرکات علم رجال الحديث در توثیق او آمده است: "در طریق صدوق در حدیث عمل استفتاح واقع شده است، راوی امام رضا علیه السلام و قته و جلیل می باشد".
(نمایی شاهروندی، ج ۲، ص ۱۴۰)

۵- نام پدر جعفر بن احمد عبدالجبار الینبی در کتب رجال درج نشده و مهملاست.

طریقه پنجم

حدثنا جعفر بن محمد بن قولویه عن ابی عیسی عبیدالله بن الفضل بن محمد بن هلال الطایی عن ابی محمد عبدالله بن محمد البلوی عن ابراهیم بن عبیدالله بن العلاء عن فاطمه بنت عبدالله بن ابراهیم در بحث رجالی جعفر بن محمد بن قولویه می خوانیم: علمای رجال به اتفاق وی را توثیق کرده‌اند. نجاشی در توثیق او گفته است: "کلمایو صرف الناس من جميل و شفه و فقه فهو فوقه": هرزیبایی و علمی که مردم را با آن وصف نمایی، برتر از آن را در جعفر بن محمد بن قولویه خواهی یافت. (النجاشی، ص ۱۲۳) وی از برجسته‌ترین چهره‌های راویان شیعه در قرن چهارم هجری است و یکی از بهترین شاگردان محمد بن یعقوب کلینی و از بزرگان مشایخ شیعیان مفید می باشد.

طریقه ششم

حدثنا محمد بن الحسن بن اسحاق بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين علی بن ابیطالب علیه السلام عن ابی جعفر محمد بن حمزه بن الحسن بن سعید المدینی عن ابیه عن ابی محمد عبدالله بن محمد البلوی عن ابراهیم بن عبیدالله بن العلاء عن فاطمه بنت عبدالله بن ابراهیم در جرح و تعدیل رجال سند آمده:

۱- محمد بن الحسن: خویی وی را همان ابو عبدالله الشریف، از مشایخ صدوق



می‌داند، همان شخصی که صدوق به تشویق وی کتاب من لا يحضره الفقيه را تأليف کرد.^۱ (خوبی، ج ۵، ص ۲۰۸)

۲- ابی جعفر محمد بن حمزه بن الحسین بن سعید المدینی: در کتب رجال ذکری از وی به میان نیامده است؛ ولی در مستدرکات علم رجال، او از روایان دعای استفتح

معرفی شده است. (نمایی شاهروdi، ج ۷، ص ۱۵۲)

۳- نام پدر وی نیز در کتب رجال مذکور نیست.

طريقه هفتم

سند دعا نزد حاکم حسکانی: وی دعای شریف را با یک سند نقل کرده است. برخی رجال مذکور در طریق وی در سلسله سند صدوق ذکر شدند و از تکرار مبحث رجالی ایشان صرف نظر می‌کنیم.

ذکر سند:

الحاکم ابوظاهر محمد بن احمد الجوری عن ابی یعلی العلوی الهمذانی عن ابی الحسین محمد بن الحسین الدینوری عن یعقوب بن نعیم بن عمر و بن قرقاره عن جعفر بن احمد بن عبدالجبار عن ابیه عن ابراهیم بن عبیدالله بن العلاء فاطمه بنت عبدالله بن ابراهیم.

در کتب رجال نامی از محمد بن احمد الجوری و همین طور ابو یعلی الهمذانی نیامده است، تنها زرکلی در الاعلام ذیل نام محمد بن احمد الجوری آورده است: «فقیه مالکی، من قضاه مصر، کان محدث زمانه، اصله من البصره، کان شاعراً حسن البديهیه، مناظراً قوی الحجه». (زرکلی، ص ۵۴)

از تأمل در مجموعه مباحث رجالی طریقه نقل دعای استفتح، به این نتیجه می‌رسیم که راوی اولیه دعای ام داود، زنی پارسا و مورد وثوق امام صادق علیه السلام بوده

۱. درباره وثاقت مشایخ صدوق قبلًا توضیحاتی داده شد.



است، اما در برخی از طرق نقل حدیث استفتح، رجال مذکور در اسناد برخی ضعیف و برخی ناشناخته‌اند و برخی نیز ثقه و مورد اعتمادند. نکته مهم این است که در توثیق روایات تنها باید به سند اکتفا کرد و ضعف و قوت سند را تنها دلیل برای صحت یا نادرستی حدیث دانست، بلکه شاخصه مهم، سنجش حدیث با قرآن و سنت قطعی و عقل است که اگر متن حدیث از این حیث محکم و متقن باشد آن روایت قابلأخذ است.

بررسی و نقد متن دعای ام داوود

پیش از ورود به بحث و بررسی متن دعا، بحثی پیرامون کلیت مضمون و محتوای آن داریم، آنگاه به متن میپردازیم.

باید گفت هر یک از دعاها و مناجاتها با زیان خاص خود و به گونه‌ای معارف دینی را القاء میکنند. بیشتر دعاها به معارف توحیدی اختصاص دارد، مانند دعای عرفه امام حسین علیه السلام و تعدادی از دعاهای صحیفة سجادیه؛ برخی از دعاها حالات عجز و کوچکی انسان را در برابر حق تعالی بیان میکنند، مانند تعدادی از دعاهای صحیفة سجادیه؛ بعضی از دعاها بیانگر تقاضای اتصاف صفات حمیده و دوری از صفات رذیله از خداوند متعال است، مانند: دعای مکارم الاخلاق و دعای هشتم صحیفة سجادیه. (تحریری، ص ۹)

در این میان میتوان به دعاهایی اشاره کرد که این ویژگیها را دارد، بعلاوه برای دفع مصیبتها و رخدادها و عرض نیاز برای رفع آنها، از لسان ائمه علیهم السلام صدور یافته است. دعای ام داوود از این دسته است، بیانگر مواجهه عبد ضعیف و مضطر، اما مصمم و امیدوار به درگاه الهی و تپریع حال و عرض نیاز به سوی خداست.

شاکله کلی این دعا را میتوان در چهار بخش اصلی خلاصه کرد:

بخش اول آن حمد و ستایش پروردگاراست. بخش بعدی سراسر درخواست رحمت و درود است بر پاکان، اعم از فرشتگان و پیامبران خاصه پیامبر اسلام علیهم السلام و



اهل بیت ایشان و گروهی از سعداء، شهداء، ابدال و اوتاد. در بخش سوم شخص با ذکر صفات جمال و جلال الهی و اسماء حسنای پروردگار متوجه او می شود. در قسمت پایانی نیایش، شخص ذلت و ضعف و نقض خود را عرضه می دارد و از آنجایی که نیازخواهی بخش مهمی از مناجات با پروردگار است، در پایان درخواست خود را از درگاه پروردگار متعال مسئلت می دارد. وقتی انسان این‌گونه خضوع خود را به درگاه پروردگار متعال عرضه می دارد، در این هنگام، درهای رحمت الهی به رویش باز شود و در داستان ام داوود این‌گونه شد.

اما برای دستیابی به صحت متن، راه کارها و دستورالعمل‌های فراوانی وضع شده است. شیخ طوسی در کتاب عدة الاصول چهار ویژگی را نشانهٔ صحت متن و مضمون حدیث می‌داند: موافقت با ادلهٔ عقلیه، مطابقت با کتاب خدا، مطابقت با سنت قطعیه و موافقت با آنچه فرقه امامیه بر آن اجماع نموده‌اند. (شانه چی، ص ۱۴۶)

حدیث یا دعا باید از بعد مضمونی چند ویژگی اساسی داشته باشد:

۱- مطابقت با قرآن: مهمترین مبنای در احراز اصالت متن حدیث، عرضه آن بر قرآن کریم است، که ملاک و معیار حق و باطل و جداکننده آنهاست. این مبنای نخستین بار رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} به مسلمانان تعلیم فرمود و بعدها امامان شیعه بر ضرورت آن تأکید کردند. (معارف، ص ۹۱) اگر طبق این تعالیم متن دعای ام داوود بر قرآن عرضه شود، یقیناً با روح قرآن هم خوانی دارد و مورد تأیید آن واقع است. چراکه عمدۀ مباحث مطرح شده در دعا، بخشی از اعتقادات حقه، مانند توحید، نبوت عامله و نبوت خاصه است که همان اصول و معارفی است که خداوند بندگانش را برای پذیرش آنها فرامی‌خواند و در کتاب عظیمش پیوسته از آن یاد می‌کند. علاوه بر آن برخی از فقرات دعا نیز مقتبس از قرآن کریم است. مانند این فراز: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ». (آل عمران (۳)/۱۸)



۲- موافقت با سنت: مراد از سنت، سنت قطعی است که همه مسلمان آن را به منزله یکی از مبانی دین پذیرفته و کارهای خود را براساس آن تنظیم می‌کنند و یا لاقل روایتی است که اعتبار آن از جهت صدور مورد قبول فقها و محدثان قرار گرفته باشد. (معارف، ص ۹۲) عدم مخالفت متن حدیث با سیره قطعی یکی از ملاکهای محدثان برای نقد متن است که پس از قرآن میزان و معیار روایات است. محتوای دعای شریف را باید کاملاً منطبق بر سیره معصومین علیهم السلام دانست. چراکه از الطاف بی کران پروردگار بر بندگان، این است که اولیایی را برایشان فرستاده که تمامی حقایق برای آنان آشکار است، آن حقایق و معارف رازمانی با سیره عملی و زمانی با خطابه و گاهی با زبان دعا و مناجات برای انسانها اظهار می‌کنند تا هر کس به اندازه درک و فهم خود آنها را فهمیده و بهره‌ای از معارف الهی ببرد. قطعاً در تمامی این آموزه‌ها هدف اصلی، رسیدن به نهایت درجه کمال انسانی است، که این مهم هم در این دعای شریف و هم در دیگر ادعیه و هم چنین در سیره پاک ائمه علیهم السلام مدنظر قرار گرفته است. از این‌روی می‌توان گفت دعای ام داوود همگام با اهداف راستین و والای پیامبر علیهم السلام و ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد.

۳- موافقت با عقل از دیگر ملاکهای نقد حدیث است. زمانی که دلالت متنی مورد تأیید قرآن و هم موافق با سیره معصوم علیهم السلام باشد، قطعاً با حکم عقل موافقت دارد؛ زیرا میان حکم شارع که عاقل‌ترین عقلاء است با حکم عقل منافاتی وجود ندارد. میان مضمون دعای ام داوود با عقل تعارضی دیده نمی‌شود تا راه برای تأویل و توجیه باز باشد.

۴- علوّ مضمون: گاهی محتوا و مضمون حدیث چنان بلند است که صدور آن از غیر معصوم ناممکن شمرده شود، چنانکه بهترین دلیل بر قطعی الصدور بودن قرآن علوّ معنا و اعجاز لفظی و معنوی آن است. ائمه علیهم السلام در دعاها یشان آنچه را که برای تکامل وجودی انسان ضروری است و در حرکت الهی وی دخیل است با به

نتیجه

کارگیری واژه‌های بس پرمعنا و کم نظری با خلاقیت هنری و ادبی و افریبیان می‌کردند. هم‌چنانکه در دعای ام داود می‌بینیم مفاهیم عالی و واژه‌ها و ترکیب‌های به کار رفته در آن حکایت از آن دارد که این‌گونه مناجات و نیایش جز در توان معصوم علی‌الله نیست و تمامی فقرات آن یک منظومه منظم و منسجم را سامان داده است که نفوس صالحان و پاکان را به همراه خود به سیر سماوات می‌کشاند.

نتیجه

از مجموع مباحث یاد شده صدور دعا از معصوم به دلایل زیر بعید به نظر نمی‌رسد:

۱- اول اینکه جایگاه دعای شریف از جهت منابع روایت کننده آن بسیار بلند است. دعای مزبور را عده‌ای از علمای بزرگ شیعه مانند شیخ صدوq، شیخ طوسي، ابن طاووس، علامه مجلسی، كفععی و همچنین حاکم حسکانی، عالم بزرگ اهل تسنن، معتبر دانسته و در مجتمع روایی خود نقل کرده‌اند که نشانگر این مطلب است که آنها دعای مزبور را تلقی به قبول کرده‌اند.

۲- دوم آنکه با فرض اینکه صحت سند احراز نشده باشد، طبق قاعدة معروف "تسامح در ادله سنن" در سند ادعیه نمی‌توان سختگیری کرد. سختگیری‌های رایج در فقه شیعه در مورد اخبار و احادیثی است که در مسیر استنباط یک حکم الزامی قرار بگیرد، اما در مسائل مستحبی به ویژه دعاهای و زیارات آن موشکافیهای سندی معمول نیست، بلکه همین مقدار که مورد قبول مشایخ باشد و در کتب معتبر و مشهور نقل شود و محتوای آن بلند باشد کافی است.

۳- سوم اینکه مفهوم و دلالت حدیث با روح قرآن و سنت هماهنگ است و با توحید افعالی سازگاری دارد و نظری مضامین این نیایشها را جز معصومین علی‌الله نمی‌توانند بیان نمایند. بیشتر دعاهای موجود از باب بی‌نظیر بودن در مضامین و معنا مورد وثوق قرار می‌گیرند.



قرآن کریم

قابل ذکر است که اکنون نیز همه ساله هزاران نفر از مؤمنین در مساجد مختلف اعمال ام داوود را به جا آورده و نویسنده شاهد حصول نتایج معنوی و برآوردن حاجات عاملین آنها بوده است.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین علی بن ابوالکرم. *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر، ۱۹۶۵ م.
۲. ابن بابویه قمی، علی بن حسین (صدوق). *فضائل الاشهر الثلاثة*. قم: مکتبه الداوری، ۱۳۹۷ ق.
۳. —————. *کمال الدین و تمام النعمه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۴. ابن داوود حلی، تقی الدین حسن بن علی. *رجال*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.
۵. ابن طاووس، رضی الدین. *اقبال الاعمال*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۶. ابن غضایری، احمد بن حسین. *الرجال*. قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ش.
۷. ابن قولویه، جعفرین محمد. *کامل الزیارات*. *تصحیح علامه عبدالحسین امینی*. تهران: میقات، ۱۳۶۵ ش.
۸. امین جبل عاملی، سید محسن. *اعیان الشیعه*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۹. تحریری، محمد باقر. *نجوای عارفانه* (شرحی بر مناجات شعبانیه). تهران: حر، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. جعفری، محمد تقی. *نیایش امام حسین در صحرای عرفات*. تهران: موسسه نشر آثار علامه، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. تهرانی، آقبرگ. *الذریعه الى تصانیف الشیعه*. بیروت: دارالاصوات.
۱۲. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. *فضائل شهر رجب*. تهران: موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر. *خلاصه الاقوال*. تحقیق: سید محمد صادق بحرالعلوم، نجف: الطبعه الحیدریه، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. دوانی، علی. *مفاخر اسلام*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
۱۵. ریانی، محمد حسن. *دانش رجال الحدیث*. مشهد: موسسه چاپ و نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ ش.



۱۶. رحمان ستایش، محمد کاظم. آشنایی با کتب رجالی شیعه. تهران: سمت، ۱۳۸۵.
۱۷. رضایی، محمد جعفر. پژوهشی در اسناد و نسخه‌های زیارت عاشورا. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم حدیث، ش سوم و چهارم، ۱۳۸۸.
۱۸. زرکلی، خیرالدین. الاعلام. بیروت: دارالعلم للملایین، ۲۰۰۷.
۱۹. سبحانی، جعفر. کلیات فی علم رجال. قم: مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۲۸ق.
۲۰. صادقی اردستانی، احمد. زنان دانشمند و راوی حدیث. قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۲۱. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن. الرجال. نجف: حیدریه، ۱۳۸۱.
۲۲. ————— الفهرست. تحقیق: سید محمد صادق آل بحرالعلوم، نجف: المکتبه المرتضویه.
۲۳. قاسم پور، محسن و دیگران. فرهنگ اصطلاحات درایه حدیث و رجال. کاشان: انتشارات دانشگاه کاشان، ۱۳۸۹.
۲۴. قمی، شیخ عباس. مفاتیح الجنان. قم: مشرقین، ۱۳۸۳.
۲۵. ————— منتخب التواریخ. تهران: چاپخانه علی اکبر علمی، ۱۳۵۲.
۲۶. ————— متنهای الامال. تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۳۸.
۲۷. ————— فواید الرضویه. انتشارات مرکزی، ۱۳۲۷.
۲۸. کشی، محمد بن عمر. رجال. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
۲۹. کفعی، تقی الدین. المصباح. قم: رضی، ۱۴۰۵ق.
۳۰. ————— بلدالامین. بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۳۱. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. بیروت: الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۳۲. محلاتی، ذبیح الله. ریاحین الشیعه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. مدیر شانه چی، کاظم. علم الحدیث. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷.
۳۴. معارف، مجید. شناخت حدیث. تهران: نبا، ۱۳۸۷.
۳۵. نجاشی، احمد بن احمد. الرجال. قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۲۷ق.
۳۶. نمازی شاهروdi، علی. مستدرکات علم رجال الحدیث. قم: ادب، ۱۴۱۴ق.